

داغ سیاه بر پیشانی بدخشان

محمد اکرام اندیشمند

بدخشان ولایت علم و فرهنگ، سرزمین دانش و مبارزه، پرورشگاه شیرزان فرزانه و رادمردان فضل و ادب است. مبارزان و آزادگان بسیاری با اندیشه های بلند عدالت خواهی و آزاد منشی به بلندی کوه های سر به فلک این دیار صخره و دره در درازنای تاریخ قامت بر افراشته اند. مجاهدان بسیاری در جهت حرمت گذاری بر آزادی و آزاد منشی و پاسداری از حریم ارزش های دینی و اعتقادی شان جان های خویش را در پای این دیار زیبا و سربلند قربانی کرده اند.

بدخشان سرزمین مهر و عاطفه است. هر چند کوه هایش بلند، صخره هایش بزرگ، دره هایش عمیق و رودهایش موج و پرتنین است، اما مهر و مدارا، حرمت و تمکین، تواضع و فروتنی در وجود و جبین فرد فرد مردم پایدار و سرافرازش تبلور و درخشش دارد.

بدخشان سرزمین مهمان نواز و مهمان پذیر است. میزبانان بدخشانی، مهمانان هموطن خود را با پیشیانی باز و خوش طبعی استقبال میکنند. بدخشان با کینه و کینه توزی میانه ی خوبی ندارد و قلب های بسیاری در این دیار، سر شار از پاکی و نیکی برای هموطن و هممنوع خود است. و بدخشان سرزمین بسیاری از خوبی ها و زیبایی ها

اما، اکنون یک نقطه سیاه و ننگین بر جبین سبز و صاف بدخشان نشسته است. صرف نظر از اینکه چه کسی و چگونه پیشانی بدخشان را سیاه و داغ دار ساخته، این داغ برای بدخشان و بدخشانی سخت ننگین، دردناک و غیرقابل تحمل است: داغ سیاهی که در وردوج بروی پیشانی بدخشان نشست. در آنجا طالبان، شانزده نفر از هموطنان، همدینان و هموعان خود را که در ارتش و پولیس ایفای وظیفه میکردند، روز چهاردهم حوت 1391 به گلوله بستند. نه خارجی و کافران را، نه بی دینان و ظالمان را و نه متجاوزان و مستکبران را. فقط هموطنان مظلوم و محروم خود را، مهمانان بدخشان و بدخشانی را که در دره ها و کوه های بدخشان اقامت داشتند.

آن قاتلان که بودند؟

طالب؟ نه، طالب که علم می طلبد و در پی علم است. نه در پی خون و ریختن خون آدم.

مسلمان؟ نه، اسلام را که علما و ملاهای این خاک و ملاهای بدخشان از هر محراب و منبر، دین برادری، دین عطوفت و عفو و دین صلح و عدالت معرفی میکنند. اما آنها که اسلام را در وردوج تیرباران کردند.

انسان؟ نه، انسان که اشرف مخلوقات و کرامت داده شده خالق است. اشرف مخلوقات و موجود کریم چگونه به شرافت و کرامت خود پشت میکند و در خانه ی خویش، خون مهمان همدین، هموطن و هممنوع خود را می ریزاند؟

بدخشانی ها! آن قاتلان هر چه که باشند، سه چیز نیستند:

طالب، مسلمان و انسان. آنها داغ سیاه و ننگ پیشیانی شما هستند. بر فرد فرد شما است، بر عالم دین و ملای شما، بر معلم و مامور شما، بر دهقان و چوپان

شما، بر تمامی مردان و زنان بدخشانی؛ که این داغ را از پیشانی بدخشان پاک کنید.